



جایگاه ادب در قرآن کریم و روایات اسلامی

سید ابراهیم حسینی وردنجانی

کاردانی بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اهواز

چکیده

ادب را جایگاه رفیعی در قاموس انسانیت است، که حکایت از اهمیت بسیار آن در راستای ساختار ابعاد درونی و بیداری روحی انسان دارد. ادب در حقیقت رشد و شکوفایی شخصیت یک فرد است، که منهای آن در هر درجه و سطحی باشد فاقد ارزش و بهاست. جایگاه ویژه ادب در شریعت اسلامی ما را برآن داشت تا در این پژوهش مختصر ب طور ویژه به این مطلب پرداخته و سیره معصومین را در این حیطه دنبال نماییم و همانطور که از آیات و روایات برمی آید در تمامی زمینه ها ادب مانند یک نکته ظریف و مهم چه در کلام و چه در رفتار پیشوایان دین ائمه اطهار علیهم السلام پررنگ جلوه داده شده است و نقش مهمی در سربلندی و عزت انسان ایفا می کند.

واژگان کلیدی: ادب، جایگاه ادب در قرآن، ادب در سیره معصومین علیهم السلام



مقدمه

از قیمتی‌ترین سرمایه‌ها و میراث‌های حیات آدمی «ادب» است، که حتی بالاتر از ثروت و سرمایه است. ادب منظر چشم نواز و تحسین برانگیزی از اخلاق است که با شکل زیبا و هیئت آراسته خود به افعال انسان نیکویی و ظرافت می‌بخشد و در اثر آن، کردار آدمی ویژگی‌ای پیدا می‌کند که به ستودن و تمایل وامی‌دارد. (هدایتی، ۱۳۹۲) در بین هر ملتی، آداب و رسوم آن‌ها مانند آئینه ای است که افکار و خصوصیات اخلاقی و حتی اعتقادی آن‌ها را به تصویر می‌کشد که در طول سالهای متمادی به مرور در بینشان نهادینه شده است. شاید بعضی‌ها خیال کنند که اخلاق و آداب یکی است در حالی که این طور نیست چون اخلاق عبارتست از ملکات راسخه در روح، و در حقیقت وصفی است از اوصاف روح، ولی آداب عبارتست از هیات‌های زیبای مختلفی که اعمال صادره از آدمی متصف بدان می‌گردد و اعمال آدمی نحوه صدورش بستگی به صفات مختلفه روحی دارد و بین این دو قسم اتصاف (اتصاف روح به اخلاقیات و اتصاف عمل به آداب) فرق بسیاری است، پس تفاوت ادب با اخلاق در این است که ادب، از ویژگی‌های عمل است یعنی قالب عمل به شمار می‌رود ولی اخلاق، به روح عمل مربوط است و چیزی است که در درون فرد می‌گذرد. البته مودب بودن هم یکی از خلقیات به حساب می‌آید. واژه ادب در قرآن به‌کار نرفته؛ ولی در آیات فراوانی، به مفهوم آن که مجموعه گسترده‌ای از روابط فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد، اشاره شده است. از این رو در تمامی اعصار و فرهنگ‌های مختلف ادب یک شاخصه مهم انسانی به شمار رفته و در باب اهمیت و ابعاد گسترده آن سخن‌ها رانده شده و کتاب‌ها نوشته شده است. در میان درآموزه‌های دینی تأکید خاص و فراوانی بر رعایت ادب شده است. اهمیت و تأکید آموزه‌های دینی بر رعایت آداب و حسن معاشرت اجتماعی، برای آن است که آداب از یک‌سو در ظاهر، رفتارهای انسان‌ها را در هر شرایطی به نیکویی و مقبولیت عمومی مزین می‌کنند و لطافت و گرمی محاسن اخلاق را در سازمان و جامعه می‌گسترانند و از سوی دیگر، انجام پیوسته آداب در نهادینه ساختن فضایل اخلاقی در لایه‌های درونی انسان صورت ملکات و خوی‌های ثابت و باطنی مؤثر است. پویندگان مسیر تهذیب و پرورش فضایل اخلاقی از آداب کمک می‌گیرند و از برون زمینه‌ی تپهیر و نورانیت درون آدمی را فراهم می‌سازند. (حلیمی، ۱۴۰۱) عنصر ادب، زینت تمام قد زندگی و نشان شرافت انسانی و نماد کمال عقل افراد است. خالق زیبایی‌ها، انسان را با صورت و سیرت خاص آفرید و لازمه سیرت او ادب و خلق زیبا در عرصه فردی و اجتماعی است که قابلیت زایش و رویش دارد. آحاد انسان به طور اعم و مدیران و رهبران جامعه به طور اخص می‌بایست نه تنها در تربیت صحیح خویش تلاش و خود را به ادب و خلق احسن آراسته نمایند بلکه باید در به‌کارگیری مؤلفه‌های موجود، زمینه شکوفایی، توسعه و رشد دیگران را فراهم آورند. مسلماً پیشرفت و دست یافتن هر سازمان و یا مؤسسه ای به اهداف مورد نظر، منوط به احراز خرد جمعی و مألوف شدن مدیران و افراد سازمان به انگاره‌های ادب در حوزه رفتار و کلام پسندیده ... می‌باشد. (چوپانی، ۱۳۹۷)

در این نوشتار با روش گردآوری اطلاعات و رویکرد مروری، به بیان معنا و مفهوم ادب در قرآن و آموزه‌های دینی پرداخته و روایات و احادیث مختلف جمع‌آوری شده است.

روش تحقیق

در این نوشتار با روش گردآوری اطلاعات و رویکرد مروری، به بیان معنا و مفهوم ادب در قرآن و آموزه‌های دینی پرداخته و روایات و احادیث مختلف جمع‌آوری شده است.

معنا و مفهوم ادب

واژه ی ادب از سده‌های نخستین در نوشته‌های دانشمندان اسلامی به کار برده شده است و نویسندگان گاه در نام گذاری تالیفات خود از آن استفاده می‌کردند.

- تعریف لغوی

در لغت نامه دهخدا ادب (با فتحه) به معنای شگفت و عجب و در فرهنگ عمید به معنای دانش، معرفت، روش پسندیده آورده شده است. ادب در لغت‌نامه‌های عربی، تمرین دادن نفس و حسن اخلاق شمرده شده است و ابن منظور ادب را راهنمای مردم به سوی کار پسندیده،

و بازدارنده آنها از کار زشت می‌داند.

واژه «آدب» مفرد آداب، در اصل به معنای دعا (فراخواندن) بوده و «آدب» به معنای دعوت و جمع کردن مردم بر سر سفره خود نیز از همین ریشه است. (ابن فارس، ۱۳۵۸)

- تعریف اصطلاحی

«آدب» عبارت است از مراقبت کردنِ نفس از اعمال زشت و ناپسند، و همچنین پایبندی به محاسن و فضائل در اعمال، رفتار و گفتار. «ابن منظور» آن را راهنمای مردم به سوی کار پسندیده، و بازدارنده آن‌ها از کار زشت می‌داند. (ابن منظور، ۱۳۷۵)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به بیانی دیگر به تعریف آدب پرداخته و می‌فرماید: «آدب، هیأت زیبا و پسندیده است که طبع و سلیقه چنین سزاوار می‌داند که هر عمل مشروعی چه دینی باشد مانند دعا و چه مشروع عقلی باشد مانند دیدار دوستان، بر طبق آن هیأت واقع شود. به عبارت دیگر: آدب عبارتست از ظرافت عمل.»

باید دانست که به لحاظ اصطلاحی آدب در طی قرون به دو معنای عمده ادبیات (علوم ادبی) و آدب دینی (اخلاقیات) به کار رفته است (طبرسی) ولی مقصود از آن در این بحث آدب دینی می‌باشد؛ «حفظ حدّ و اندازه هر چیزی و تجاوز نمودن از آن را آدب گویند.»

آدب به معنای آراسته شدن به اخلاق نیکو، انجام کارهای خردمندانه و انسانی و برخورداری از خصلت‌هایی است که شخصیت آدمی را با عظمت می‌سازد. آدب، نپسندیدن ناپسندها برای دیگران است، همانگونه که خود نیز از ناپسندیده‌ها گریزانیم. در روایتی آمده است: «کفاک أدبا لنفسک اجتناب ما تکرهه من غیرک» (مجلسی، ۱۳۸۶) در آدب تو همین بس که آن‌چه برای دیگران نمی‌پسندی برای خود نیز نپسندی.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «أَفْضَلُ الْأَدَبِ أَنْ يَقِفَ الْإِنْسَانُ عِنْدَ حَدِّهِ وَلَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ»؛ برترین آدب آن است که انسان در حدّ خود بایستد و از اندازه خویش فراتر نرود. (ری شهری، ۱۳۹۱)

امام جواد (علیه السلام) می‌فرمایند: مفهوم و معنای آدب از نظر مردم، تنها خوب سخن گفتن است که رکیک و سبک نباشد، ولیکن این نظریه قابل توجه نیست تا مادامی که انسان را به خداوند متعال و بهشت نزدیک نگرداند. بنابر این آدب یعنی رعایت احکام و مسائل دین، پس با عمل کردن به دستورات الهی و ائمه اطهار (علیهم السلام)، آدب خود را آشکار سازید.

الْأَدَبُ عِنْدَ النَّاسِ التَّنَطُّقُ بِالْمُسْتَحْسَنَاتِ لَا غَيْرُ، وَ هَذَا لَا يُعْتَدُّ بِهِ مَا لَمْ يُوصَلْ بِهَا إِلَى رِضَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَ الْجَنَّةِ، وَ الْأَدَبُ هُوَ أَدَبُ الشَّرِيعَةِ، فَتَأَدَّبُوا بِهَا تَكُونُوا أَدَبَاءَ حَقًّا^۱.

در جای دیگری در تعریف آدب از امام جواد علیه السلام آمده است:

حقیقت آدب و تربیت عبارت است از: دارا بودن خصلت‌های خوب، خالی بودن از صفات زشت و ناپسند. انسان به وسیله آدب در دنیا و آخرت به کمالات اخلاقی می‌رسد و نیز با رعایت آدب نیل به بهشت می‌یابد.

وَحَقِيقَةُ الْأَدَبِ: اجْتِمَاعُ خِصَالِ الْخَيْرِ، وَ تَجَافِي خِصَالِ الشَّرِّ، وَ بِالْأَدَبِ يَبْلُغُ الرَّجُلُ الْمَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ يَصِلُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ^۲.

آدب از منظر قرآن

در قرآن، واژه آدب به کار نرفته، هر چند معنا و مفهوم آن، بارها مورد عنایت این کتاب آسمانی قرار گرفته است. در آیات متعددی ملزومات رعایت آداب فردی و اجتماعی ذکر شده است و احادیث و روایات فراوان ائمه اطهار علیهما السلام در این باب اهمیت بالای این مسئله را بیش از پیش نمایان می‌کند. بی شک معانی بلند و تفاسیر والای قرآن مجید در این مخلص گنجیده نخواهد شد در این راستا در این پژوهش ما به دسته بندی آداب ذکر شده در قرآن مجید و روایات معصومین پرداخته و به صورت خلاصه به بررسی آنها می‌پردازیم. در این پژوهش پس از بررسی های مطالعات مختلف انجام شده در این حیطه و کتب نوشته شده در زمینه‌ی مرتبط با موضوع این پژوهش، دریافتیم مفهوم آدب در قرآن کریم در چند دسته‌ی کلی قرار می‌گیرد:

^۱ ارشاد القلوب دیلمی، صفحه ی ۱۶۰

^۲ همان.



الف- ادب در مقابل پروردگار:

باتوجه به این که عالم محضر خداست ضرورت ادبی فراگیر، در زندگی یک انسان موحد، آشکار است. ادب اقتضا دارد در محضر خداوند آنچه را پسندیده است فروگذاریم. (اشراق جهرمی، ۱۴۰۳) همانگونه که در کلام شیوای امیرالمومنین علی علیه السلام میخوانیم: ادب، آن است که تو را از گناهان باز دارد. (یعنی در مقابل خدا مؤدب بودن)^۱

در قرآن مواردی که مورد پسند است با عبارت "یحب" و اعمال ناپسند با "لا یحب" آمده است از این رو میتوان به نوعی رعایت این موارد را ادب در مقابل پروردگار دانست:

در ۲۴ آیه مواردی که خداوند نهی فرموده و با عبارت «لا یُحِبُّ» همراه شده اند ذکر شده است:

- تعدی (البقره: ۱۹۰، المائده: ۸۷، الاعراف: ۱۵۷)

- فساد (البقره: ۲۰۵، المائده: ۶۴، القصص: ۷۷)

- کفر (البقره: ۲۷۶، آل عمران: ۳۲، الحج: ۳۸، الروم: ۴۵)

- ظلم (آل عمران: ۵۷ و ۱۴۰، الشوری: ۴۰)

- مختال و فخور (النساء: ۳۶، الحديد: ۲۳، لقمان: ۱۸)

- اثم (النساء: ۱۰۷)

- اسراف (الانعام: ۱۴۶، الاعراف: ۳۱)

- خیانت (النساء: ۱۰۷، الانفال: ۵۸، الحج: ۳۸)

- استکبار (النحل: ۲۳)

- «فرح» به معنای شادی مذموم توأم با تکبر (القصص: ۷۶)

- «جهر بالسوء» به معنای افشای بدی های دیگران مگر برای کسی که مظلوم واقع شده باشد. (النساء: ۱۴۸)

خداوند در ۱۱ آیه نیز با عبارت «یُحِبُّ» آنچه را از انسان ها می پسندد، ذکر نموده است:

- احسان (البقره: ۱۹۵، المائده: ۱۳)

- توبه و طهارت نفس (المائده: ۲۲۲)

- تقوا (آل عمران: ۷۶، التوبه: ۴ و ۷)

- توکل (آل عمران: ۱۵۹)

- عدالت (المائده: ۴۹، الحجرات: ۹، الممتحنه: ۸)

- جهادگری صف در صف پوالدین (الصف: ۴)

برای رسیدن به آنچه خداوند از آدمی می پسندد و آنچه نمی پسندد به تربیت و تأدیب نفس نیاز است گویا خداوند انسان مؤدب را با این صفات معرفی نموده است در ضمن، انسان بی ادب را در مشخصات مخالف آن معرفی می نماید. (اشراق جهرمی، ۱۴۰۳)

ب- ادب در مقابل پیامبر و اولیای الهی:

بلند نکردن صدا در مقابل پیامبر^۲

آرام سخن گفتن با پیامبر نشانه ی پرهیزگاری^۳

نادان شمردن افرادی که پیامبر را از درون حجره ها صدا میزنند^۴

^۱ تصنیف غر الحکم، ۲۴۷ ح ۵۰۷۹

^۲ حجرات، سوره ی ۴۹، آیه ی ۲.

^۳ همان، آیه ی ۳.

^۴ نور سوره ی ۲۴، آیه ی ۶۳



در قرآن کریم، رعایت این ادب در برابر دیگران نیز سفارش شده است:
(وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ)^۱

ج- ادب در خانواده:

ادب برخورد با پدر و مادر

یکی از مهم‌ترین آداب‌ی که اسلام بر آن تأکید فراوان دارد، ادب برخورد با پدر و مادر است. خداوند در آیاتی پس از نام شریف خود که خالق جهان هستی است، سفارش نسبت پدر و مادر را صراحتاً بیان نموده است. از جمله سفارش خداوند به

- گفتار کریمانه با والدین و لزوم پرهیز از تندخویی با آنان^۲ (برخی مفسران، مقصود از گفتار کریمانه را نخواندن آنها به اسم دانسته‌اند)

- شکرگزاری از والدین و همسان بودن آن ب شکرگزاری از پروردگار^۳

- احسان و نیکی به والدین^۴

- احسان به آنان در زمان سالخوردگی و پرهیز از گفتن سخنان ناراحت کننده به آنان و نیکو سخن گفتن^۵

نمونه‌ای از این ادب، برخورد مؤدبانه یوسف (ع) با پدر و مادرش، هنگام دیدار در مصر است. یوسف به استقبال آنان شتافت و آن دو را بر روی تخت خود نشاند: وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ^۶

برخورد مؤدبانه اسماعیل (ع) با پدرش ابراهیم (ع) در مواجهه با پیشنهاد ذبح وی، نمونه دیگری از ادب برخورد با والدین است.^۷ او در برابر پیش‌نهاد ذبح، بدون بهانه‌آوری به پدر گفت: آن چه پروردگارت به تو فرمان داده، همان را انجام بده که مرا از بردباران خواهی یافت:

(فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ)^۸

پدر و مادر بی‌ایمان نیز از نگاه قرآن دارای ارج ویژه‌ای هستند و رعایت ادب و ملاطفت با آنها نیز لازم شمرده شده است:

(وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)^۹

ادب پدر در برابر فرزند

همان‌طور که رعایت احترام والدین و مراعات ادب در محضر آنان برای فرزندان لازم شمرده شده، در برابر، مراعات ادب در برخورد پدر و مادر با فرزندان نیز لازم و پسندیده است. برخی مفسران، نظرخواهی ابراهیم (ع) از فرزندش اسماعیل درباره فرمان الهی مبنی بر ذبح او را ادبی از ناحیه پدر در برابر فرزند برشمرده‌اند:

(فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ)^{۱۰}

د- آداب اجتماعی

۱. ادب ضیافت

^۱ لقمان سوره ی ۳۱، آیه ی ۱۹

^۲ اسرا سوره ی ۱۷، آیات ۲۳ و ۲۴

^۳ لقمان سوره ی ۳۱، آیه ی ۱۴

^۴ احقاف سوره ی ۴۶، آیه ی ۱۵

^۵ اسرا سوره ی ۱۷، آیه ی ۲۳

^۶ یوسف سوره ی ۱۲، آیه ی ۱۰۰

^۷ المیزان ج ۶ صفحه ی ۲۷۳

^۸ صافات سوره ی ۳۷، آیه ی ۱۰۲

^۹ لقمان سوره ی ۳۱، آیه ی ۱۵

در قرآن کریم نکات ظریف و لطیفی به عنوان آداب میزبانی و مهمانی مطرح شده است. رعایت چنین آدابی می تواند آثار و برکات مهمانی را افزایش داده و بهره مندی از آن را دو چندان کند. از جمله مهم ترین آداب می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تحیت و سلام: تحیت و سلام مهمانان به میزبان، از آداب مهمانی است. بنابراین، مهمانان هنگام ورود به مجلس مهمانی باید با سلام و تحیت وارد بر میزبان شوند.^۱
- وجوب پاسخ سلام: همان طوری که بر مهمان است هنگام ورود سلام کند، بر میزبان واجب است پیش از هر کاری پاسخ سلام مهمان را بدهد.^۲
- رعایت حال میزبان: مهمان باید به گونه ای رفتار کند که میزبان به رنج و سختی نیفتد. از نظر قرآن، رعایت حال میزبان از سوی مهمان لازم و واجب است و مهمانان باید موجبات آزار و اذیت میزبان را فراهم نیاورد.^۳
- پذیرایی شایسته: میزبان باید از مهمانان خویش به شایستگی پذیرایی کند و چیزی کم نگذارد؛ زیرا پذیرایی ناشایسته از مهمان مدعو، به دور از آداب مهمانی است؛^۴ امام صادق(ع) در توضیح آیه مزبور فرمود: کسی که قومی را مهمانی کند و در ضیافتشان بدی کند، او از ستمگران است و بر آن قوم باکی نیست که بر او چه بگویند.^۵ پس میزبان باید غذایی شایسته و در شان خویش و مهمان فراهم آورد.
- عدم استفسار از مهمان درباره غذا: استفسار نکردن از مهمان، درباره تهیه غذا و نوع آن، از آداب میهمانی است. پرسش از مهمان درباره میل به غذا یا نوع غذا نادرست است؛ زیرا میزبان باید غذایی برای مهمان تهیه کند، و سوال کردن از این که میل به غذا دارد، ناروا و ناشایست است؛ چنانکه سوال از نوع غذا ممکن است موجب شود میزبان ناتوان از انجام وظیفه خویش باشد. البته باید چنانکه گفته شد، پذیرایی با نوع غذایی باشد که شایسته میزبان و مهمان است.
- سرعت در پذیرایی: میزبان باید شتابان اسباب و وسایل پذیرایی مهمان را فراهم آورد.^۶
- دسترسی آسان غذا: در دسترس قرار دادن غذا برای تناول آن، کاری پسندیده در مهمانی است. باید وسایل پذیرایی به گونه ای تدارک دیده شود که مهمان به آسانی به آن دسترسی داشته باشد و بتواند از آن بهره مند شود.^۸
- دعوت برای تناول غذا: از آداب میزبانی آن است که میزبان از مهمان برای تناول غذا تقاضا کند. به سخن دیگر، تعارف کردن از آداب مهمانی است.^۹
- تهیه غذا: تهیه غذا برای مهمان، امری نیکو و از آداب مهمانی است.^{۱۰}
- مباشرت میزبان در پذیرایی: مباشرت میزبان در پذیرایی از مهمان، خصلتی نیکو و پسندیده است.^{۱۱} اینکه خود میزبان اقدام به پذیرایی کند و در این امر مباشرت مستقیم داشته باشد، خود عاملی در تقویت روابط انسانی و تکریم مهمان است.

^۱ هود سوره ۱۱ آیه ۵۹، ذاریات سوره ۵۱ آیات ۲۶ و ۲۷

^۲ هود سوره ۱۱ آیه ۶۹، ذاریات سوره ۵۱ آیات ۲۶ و ۲۴

^۳ احزاب سوره ۳۳ آیه ۵۳

^۴ نسا سوره ۴ آیه ۱۴۸

^۵ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۳ ح ۲۹۶؛ البرهان، ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۱

^۶ هود سوره ۱۱ آیه ۶۹، ذاریات سوره ۵۱ آیات ۲۶ و ۲۴

^۷ هود سوره ۱۱ آیه ۶۹

^۸ ذاریات سوره ۵۱ آیات ۲۴ تا ۲۷

^۹ همان

^{۱۰} هود سوره ۱۱ آیه ۶۹، ذاریات سوره ۵۱ آیات ۲۴ تا ۲۷

^{۱۱} هود سوره ۱۱ آیه ۶۹، ذاریات سوره ۵۱ آیات ۲۴ تا ۲۷، یوسف سوره ۱۲ آیه ۳۱

- احترام مهمان: شایسته است که از مهمان به شکلی پذیرایی شود که حرمت و جایگاهش حفظ شود؛ بنابراین، حفظ حرمت مهمان و پرهیز از بی‌حرمتی به او امری واجب و لازم است که باید از سوی میزبان مراعات شود.^۱
- دفاع از مهمان: میزبان موظف است تا به هر شکلی از مهمان دفاع کند و اجازه بی‌حرمتی به دیگران نسبت به مهمان را ندهد.^۲
- استقبال از مهمان: شایسته است تا میزبان به استقبال مهمان برود و با آغوش باز و سلام و تحیت از مهمان استقبال کند.^۳
- پذیرایی از مهمان ناخوانده و ناشناس: همان طوری که شایسته است از مهمان خوانده و دعوت شده استقبال و پذیرایی کرد، همچنین شایسته است از مهمان ناشناس و ناخوانده نیز پذیرایی و استقبال شایسته ای به عمل آید.^۴
- حضور در زمان موعده: مهمانان باید در زمان و موعد تعیین شده در مهمانی حاضر شوند؛^۵ بنابراین، حضور پیش از موعد ناروا و ناشایست و موجب اذیت و آزار میزبان می شود؛ چنانکه تاخیر بیش از اندازه هم می‌تواند میزبان را با مشکلاتی مواجه کند.

۲. ادب نشستن در مجالس عمومی

از آداب اجتماعی مورد توجه قرآن، جا دادن به تازه واردان در مجالس عمومی است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾^۶

شأن نزول آیه، درباره گروهی از شرکت کنندگان در جنگ بدر است که در "صفه" بر پیامبر و یارانش وارد شدند. پیامبر دستور داد که حاضران به آنان جای دهند. ^۷برخی، این عمل پیامبر (ص) را نوعی ادب آموزی و درس احترام گذاشتن به پیش‌گامان جهاد و ایمان دانسته‌اند.^۸ برخی نیز با توجه به ذیل آیه، احتمال داده‌اند که آیه به رعایت ادب در برابر عالمان و دانشمندان ناظر باشد.^۹

۳. ادب برخورد با سفیهان و نادانان

شاید حساس ترین وجهه ادب، ادب نسبت به جاهلان باشد کسانی که خود از رعایت آداب دورند و گاه با رفتار یا گفتاری آستانه تحمل آدمی را تحت الشعاع قرار می دهند(اشراق جهرمی و همکاران، ۱۴۰۳)

در قرآن کریم روش‌های مختلفی برای برخورد با افراد جاهل و بی‌خرد بیان شده است.

- برخورد صبورانه و سالم در مقابل برخورد بی ادبانه جاهلان^{۱۰}
- کریمانه برخورد کردن^{۱۱}
- حسن گفتار با سفیهان و نادانان^{۱۲}

۴. ادب انفاق و برخورد با فقیران

^۱ هود سوره ۱۱ آیه ۷۸، ذاریات سوره ۵۱ آیات ۲۴ تا ۲۶، حجر سوره ۱۵ آیات ۶۸ و ۶۹
^۲ همان

^۳ یوسف سوره ۱۲، آیات ۹۹ و ۱۰۰

^۴ ذاریات سوره ۵۱ آیات ۲۴ تا ۲۶

^۵ احزاب سوره ۳۳ آیه ۵۳

^۶ مجادله سوره ۵۸ آیه ۱۱

^۷ روح المعانی جلد ۲۸ ص ۳۹ و ۴۰

^۸ تفسیر نمونه ج ۲۳ ص ۴۳۹

^۹ احسن الحديث ج ۱۱ ص ۶۹

^{۱۰} فرقان سوره ۲۵ آیه ۶۳

^{۱۱} فرقان سوره ۲۵ آیه ۷۲

^{۱۲} نسا سوره ۴ آیه ۵



- برخورد با فقیر و مسکین بدون هرگونه منت و ایذاء^۱
- لزوم گفتار پسندیده با فقیران^۲
- انفاق از بهترین و محبوب‌ترین اموال خود^۳
- رعایت حد اعتدال و عدم اسراف و تبذیر در انفاق^۴ که از ویژگی‌های بندگان خالص الهی شمرده شده است^۵

۵. ادب برخورد با مخالفان عقیدتی

اسلام، افزون بر آنکه مسلمانان را به رعایت اخلاق و آداب، با یکدیگر می‌خواند، به مسلمانان سفارش می‌کند که در برخورد با مخالفان عقیدتی هم آداب را رعایت کنند :

- رعایت ادب در گفتار و پرهیز از سب و ناسزاگویی^۶
- سخن گفتن با آنان با نرمی و مدارا^۷
- سخن گفتن با مخالفان و دعوت آنان با بیانی حکیمانه و متقن^۸
- سخن گفتن با آنان با دلیل و منطق^۹
- رعایت انصاف و ادب در گفت و گو با آنان و واداشتن آنان به تفکر و اندیشه^{۱۰}
- دعوت آنان همراه با پند نیکو^{۱۱}
- مجادله با مخالف، به‌صورت جدال احسن^{۱۲}
- داشتن بردباری و عدم مقابله به مثل در برابر توهین‌ها و تهمت‌های آنان^{۱۳}
- محیطی امن برای آنان به منظور تحقیق درباره مسائل دینی^{۱۴}

۶. ادب برخورد با خطاکار

یکی از نکات مهم تربیتی که تأثیر فراوانی در تربیت افراد دارد، این است که خطاها و لغزش‌های افراد گنه‌کار به رخ آنان کشیده نشود. نمونه‌ای از این‌گونه برخورد در مواجهه یوسف (ع) با برادران خطاکارش دیده می‌شود. هنگامی که برادران، پس از آن همه ظلم و بدی که در حق یوسف روا داشتند، به دیدار او آمدند، یوسف (ع) از جفاهایی که آنان در حق وی کرده بودند، اصلاً سخنی نگفت و از آنان به بدی

^۱ بقره سوره ی ۲ آیه ی ۲۶۲

^۲ نسا سوره ی ۴ آیه ی ۸

^۳ بقره سوره ی ۲ آیه ی ۲۶۷

^۴ اسرا سوره ی ۱۷ آیه ی ۲۶

^۵ فرقان سوره ی ۲۵ آیه ی ۶۳ و ۶۷

^۶ انعام سوره ی ۶ آیه ی ۱۰۸

^۷ طه سوره ی ۲۰ آیات ۴۳ و ۴۴

^۸ نحل سوره ی ۱۶ آیه ی ۱۲۵

^۹ هود سوره ی ۱۱ آیه ی ۸۸

^{۱۰} سبا سوره ی ۳۴ آیه ی ۲۴

^{۱۱} نحل سوره ی ۱۶ آیه ی ۱۲۵

^{۱۲} همان

^{۱۳} اعراف سوره ی ۷ آیه ی ۶۰

^{۱۴} توبه سوره ی ۹ آیه ی ۶



یاد نکرد بلکه با تعبیر شیطان بین من و برادرانم نزاع کرد اشاره به موضوع کرد^۱ و آنان را به آمرزش و بخشش الهی بشارت داد^۲ برخی مفسران، این سخن یوسف را از لطیف‌ترین ادب‌ها دانسته‌اند.

۷. ادب نامه‌نگاری

از دیگر آداب مورد تأکید قرآن، این است که نامه‌ها با نام مبارک خداوند و ذکر شریف (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) آغاز شود؛ چنان‌که نامه حضرت سلیمان (ع) به مردم سرزمین سبأ با این ذکر شریف آغاز می‌شود و سیره رسول گرامی اسلام نیز در نامه نگاری‌ها چنین بوده است.^۴

۸. ادب برخورد زنان با مردان نامحرم

قرآن کریم، زنان پیامبر را از سخن گفتن با مردان نامحرم به گونه‌ای نرم و هوس‌انگیز که سبب طمع بیمار دلان می‌شود، نهی فرموده، و به آنان سفارش کرده است به طرزی شایسته سخن بگویند^۵، برخی مفسران رعایت این ادب را برای تمام زنان مسلمان، لازم دانسته‌اند.^۶

۹. ادب در امور جنسی

یکی از آداب مورد تأکید قرآن، عدم تصریح به عناوین جنسی است برای مثال از عمل آمیزش همواره با الفاظ کنایی مانند: "رفث"^۷، "لمس"^۸، "مس"^۹، "اتیان"^{۱۰}، "مباشره"^{۱۱}، "دخول"^{۱۲} و "قرب"^{۱۳} استفاده کرده است.

یکی دیگر از آداب امور جنسی، عدم حضور در خلوت زن و شوهر است. بر اساس آیات قرآن، خدمت‌گزاران و کودکان بالغ موظفند هنگام ورود به اتاقی که پدر و مادر در آن قرار دارند، اجازه بگیرند^{۱۴}، حتی کودکان نابالغ که پیوسته نزد پدر و مادر هستند، لازم است این گونه تأدیب شوند که دست کم در سه زمان (پیش از نماز صبح، پس از نماز عشاء و هنگام ظهر) که به‌طور معمول پدر و مادر به استراحت می‌پردازند، بدون اجازه به اتاق آنان وارد نشوند^{۱۵}. برخی از مفسران این دستور قرآنی را نوعی ادب اسلامی دانسته‌اند.^{۱۶}

۱۰. ادب برخورد با مالیات دهندگان

قرآن کریم ضمن آنکه پرداخت زکات را سبب پاکی و طهارت معنوی و برکت در مال زکات‌دهندگان می‌داند، به پیامبر (ص) سفارش می‌فرماید که با آنان، برخوردی شایسته داشته باشد و با دعا و تحیت برای آنان، به گونه‌ای از آنان سپاس و تشکر شود.^{۱۷} عبارت وَصَلِّ

^۱ یوسف سوره ی ۱۲ آیه ۱۰۰

^۲ همان ۹۲

^۳ نمل سوره ۲۷ آیه ۳۱ و ۳۰

^۴ مکاتیب الرسول ج ۱ ص ۶۵

^۵ احزاب سوره ی ۳۳ آیه ی ۳۲

^۶ تفسیر ابن کثیر جلد ۳ ص ۴۹۰

^۷ بقره سوره ی ۲ آیه ۱۸۷

^۸ مائده سوره ی ۵ آیه ی ۶

^۹ آل عمران سوره ی ۳ آیه ۴۷، مریم سوره ی ۱۹ آیات ۱۶ و ۲۰

^{۱۰} بقره سوره ی ۲ آیه ی ۲۲۲

^{۱۱} همان آیه ۱۸۷

^{۱۲} نسا سوره ی ۴ آیه ی ۲۳

^{۱۳} بقره سوره ی ۲ آیه ی ۲۲۲

^{۱۴} نور سوره ی ۲۴ آیه ۵۸ و ۵۹

^{۱۵} همان آیه ۵۸

^{۱۶} نمونه ج ۱۴ ص ۵۴۵

^{۱۷} توبه سوره ی ۹ آیه ۱۰۳



عَلَيْهِمْ در ذیل آیه می‌تواند ادب برخورد با پرداخت کنندگان مالیات، و دستورالعملی برای متصدیان اخذ مالیات باشد تا ضمن برخورد مؤدبانه با مالیات دهندگان، باعث تشکر از آنها و تشویق ایشان شود.

۱.۱ ادب راه رفتن

یکی از ویژگی‌های بندگان ممتاز خداوند در قرآن، راه رفتن بدون تکبر و با تواضع شمرده شده است^۱ آنجا که رفتار ظاهری انسان، به تدریج حالتی درونی متناسب با آن رفتار پدیدمی‌آورد، شایسته است هر حرکت و رفتاری که نشان دهنده نوعی غرور و تکبر در انسان است، کنترل شود تا به صفتی درونی تبدیل نشود؛ ازجمله راه رفتن همراه با تکبر؛ به همین مناسبت، یکی از آداب که لقمان به فرزندش سفارش می‌کند، آن است که با غرور و بی‌خبری راه مرو؛ بلکه همواره در راه رفتن معتدل و میانه‌رو باش.^۲

۱.۲ ادب سخن گفتن

و به بندگان من بگو: سخنی را بگویند که بهترین باشد، چرا که (اگر قول احسن را ترک گویند و به خشونت و لجاج برخیزند)، شیطان در میان آنها فساد و فتنه می‌کند، زیرا شیطان از آغاز دشمن آشکاری برای انسان بوده است.^۳

ادب در آیینی‌ی روایات معصومین

معصومین (ع) بر خلاف رهبران کاذب و دروغین، که خود را مافوق قانون و ادب فرض می‌کردند، بهتر و بیشتر از سایرین، ادب اجتماعی را رعایت می‌کردند که به بخشی از آن که در کتاب سیره ی معصومین ذکر شده است اشاره می‌کنیم:

الف- تواضع در برخورد

پیشوایان معصوم با داشتن عالی‌ترین مقام انسانی و برتری بر غیر خود، هرگز آلوده به صفت شیطانی «کبر» نگشتند و همواره آراسته به زینت «تواضع» بودند که زیباترین نوع برخورد اجتماعی است. ابوسعید خدری می‌گوید: رسول خدا (ص) با آن مقام و منصب والای نبوت که داشت، بسیار متواضع و فروتن بود. اسمع بن زید نیز می‌گوید: رسول خدا (ص) سوار الاغ می‌شد و یک نفر را هم پشت سر خود سوار می‌کرد. مردی حضور پیامبر (ص) شرفیاب شد. ابهت و هیبت پیامبر، او را گرفت، بطوری که نتوانست حرف بزند. آن حضرت فرمود: آرام باش؛ من پادشاه نیستم که از من می‌ترسی، من پسرزنی از قریش هستم که گوشت خشک شده می‌خورد.^۴ رسول خدا(ص) با هرکس که روبه رو می‌شد هم به کوچک و هم به بزرگ سلام و مصافحه می‌کرد، هیچ‌گاه دست خود را عقب نمی‌کشید، تا طرف مقابل دست خود را بکشد. از روز بعثت تا دم مرگ هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد، زانوهایش را پیش اشخاص باز نمی‌کرد و بیرون نمی‌آورد، هیچ‌کس را ملامت و سرزنش نمی‌کرد و در پی کشف اسرار دیگران نبود. هنگام نگاه به صورت کسی خیره نمی‌شد با چشم و ابرو به کسی اشاره نمی‌کرد، بسیار شرمگین و با حیا بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: روزی امیرمؤمنان (ع) سواره می‌رفت، عده‌ای از یارانش پشت سر او پیاده راه افتادند. حضرت رو به آنان کرد و گفت: آیا نیازی دارید؟ گفتند: نه، دوست داریم با شما باشیم. حضرت فرمود: برگردید که پیاده روی همراه سواره، سبب خواری پیاده و تباهی سواره می‌گردد.^۵ حتی آن حضرت در موقعیت جنگی و در مقام فرماندهی کل قوا، خصلت تواضع را فراموش نمی‌کند و جلوی چشم مریدان و پیروان خویش می‌نشیند و کفش پاره‌ی خود را وصله می‌زند.^۶ این خصلت، ویژگی همه‌ی رهبران الهی است. ابراهیم بن عباس می‌گوید: هرگز ندیدم که حضرت رضا (ع) با سخنش به کسی جفا کند یا سخن گوینده‌ای را قطع نماید یا حاجتمندی را مأیوس

^۱ فرقان سوره ی ۲۵ آیه ۶۳

^۲ لقمان سوره ی ۳۱ آیه ی ۱۸ و ۱۹

^۳ اسرا سوره ی ۱۷ آیه ۵۳

^۴ محجه البیضاء، ج ۴، ص ۱۵۱.

^۵ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۵۵.

^۶ نهج البلاغه، فیض، اول خطبه ی ۳۳، ص ۱۱۱.



برگرداند. هرگز پای خود را نزد کسی دراز نکرد و در مقابل همنشین خود، تکیه به جایی نمی کرد. به هیچ یک از خادمان خود ناسزا نگفت، و آب دهان نیفکند، و با قهقهه نخندید.^۱

ب- سلام و احوالپرسی

معصومین (ع) همواره با رویی گشاده و شاد، با مردم برخورد می کردند، سلام می کردند، دست می دادند و احوالپرسی می کردند و به دوستان خود تأکید می کردند که چنین آدابی را به جا آورند. پیامبر گرامی (ص) به هر کس می رسیدند، حتی به زنان و کودکان، سلام می کردند.^۲ ابو حمزه گوید: با امام باقر (ع) همسفر شدم. در جایی منزل کردیم، آن حضرت چند قدمی رفت و برگشت و با من مصافحه کرد و دست مرا فشرد. عرض کردم: ما الآن با هم در یک محمل بودیم؟ فرمود: «هرگاه مؤمن با مؤمنی دیگر مصافحه کند خداوند به آنان نظر (رحمت) می افکند.»^۳

ج - استقبال و بدرقه

از جمله آداب اجتماعی اسلام، استقبال و بدرقه ی میهمان است. حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا نقل کرده که فرمود: از (جمله) حق «وارد» بر اهل خانه، این است که هنگام ورود و خروج به آرامی او را تا مقداری استقبال و بدرقه کنند.^۴

د- میهمانداری

میهمان نوازی نیز از آداب با ارزشی است که فرهنگ اسلامی بر آن تأکید دارد و پیشوایان دینی، سخت بدان پای بند بودند. رسول خدا (ص) تنها زیر انداز موجود در خانه را زیر پای میهمان پهن می کرد.^۵ هرگاه میهمانی بر حضرتش وارد می شد با او بر سر سفره ی غذا می نشست و تا میهمان از غذا سیر نمی شد، پیامبر دست از غذا نمی کشید.^۶ امیرمؤمنان (ع) خود، آب روی دست میهمان می ریخت تا او دستش را بشوید.^۷ حضرت صادق علیه السلام اجازه نمی داد که میهمان کارهای منزل را انجام دهد و خود شخصا اقدام می نمود.^۸ همین طور آن بزرگواران اصرار داشتند که سختیها و ناراحتیهای منزل را به میهمانان خود منتقل نکنند. از این رو، مشکلات منزل و زندگی امام، اثری در مهمان نوازی ایشان نمی گذاشت. ائمه ی معصومین از شدت علاقه به مهمان و مهمان نوازی، هیچ گاه مهمان را هنگام رفتن یاری نمی دادند، تا نشان تمایل آنان به باقی ماندن مهمان در خانه باشد، چنان که نقل شده: میهمانانی از طایفه ی «جهینه» بر امام صادق (ع) وارد شدند و حضرت از ایشان پذیرایی کرد. وقتی قصد کوچ کردند، امام زاد و توشه ی راه و هدایایی به ایشان عطا کرد و به خدمتکاران خود فرمود: از آنان کناره بگیرید و کمکشان نکنید. آنگاه فرمود: ما خاندانی هستیم که میهمانان خود را هنگام کوچ کردن یاری نمی دهیم.^۹

ه- رفتار با همسفران

معصومین (ع) هرگز در زندگی، سربار دیگران نبودند، بلکه علاوه بر گذران زندگی خویش، کمکهای شایانی به زندگی دیگران می کردند و در «سفر» که بیش از «حضر» مشکلات دارد نیز چنین عمل می نمودند. رسول خدا (ص) در مسافرت و انتخاب همسفر، حساس بود. در سفری که برای زیارت خانه ی کعبه خارج شده بود فرمود: هر کس بد اخلاق و بد همسایه است، با ما همسفر نشود.^{۱۰} حضرت صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد (ع) جز با کسانی که او را نمی شناختند، مسافرت نمی کرد و با همسفران قرار می گذاشت که نیازمندیهای آنان

^۱ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۹۰.

^۲ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۹۰.

^۳ اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۴.

^۴ همان ص ۴۸۲

^۵ همان

^۶ سنن النبی، ص ۶۷.

^۷ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۵۶.

^۸ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۵۷.

^۹ همان ص ۳۳۵

^{۱۰} مکارم الاخلاق، ص ۴۵۱.



را برطرف سازد.^۱ و در طول سفر، رفیق، همراه و خیرخواه همسفران خویش بود. امامان معصوم (ع) هنگام جدایی نیز به همسفر خود احترام می‌گذاشتند، هر چند آشنا و همکیش نبود؛ چنان که امام صادق (ع) فرمود: امیرمؤمنان (ع) با نامسلمانی همسفر شد، آن شخص از امام پرسید: مقصدت کجاست؟ فرمود: کوفه. وقتی به راه کوفه رسیدند، آن شخص مسیر خود را انتخاب کرد، ولی متوجه شد که امام هم همراه او می‌آید و رهسپار کوفه نشد، پرسید مگر تو قصد کوفه نداشتی، چرا با من می‌آیی؟ حضرت پاسخ داد: چرا، قصد کوفه دارم ولی زیبایی و نیکویی هم صحبتی به این است که به احترام همسفر، مقداری او را بدرقه کرد. این دستوری است که پیامبر به ما داده است. آن شخص غیر مسلمان به سبب این رفتار نیک به اسلام جلب شده، مسلمان گردید.^۲

و- رفتار با اصحاب و پیروان

پیشوایان گرانقدر اسلام، همچنان که با همه ی مردم، مهربان بودند، با اصحاب و یاران خود نیز رابطه ای عمیق و صمیمی داشتند و به آنها بیشترین احترام را می‌گذاشتند. ابوذری می‌گوید: رسول خدا (ص) در میان ما می‌نشست و با هم صحبت می‌کردیم، بطوری که اگر غریبه ای وارد می‌شد، نمی‌دانست، کدام یک از ما پیامبر خداست تا اینکه می‌پرسید.^۳ ابوداود از ابوذری نقل می‌کند که: وقتی رسول اکرم (ص) یکی از اصحاب خود را می‌دید به او سلام می‌کرد، آنگاه دستش را می‌فشرد و او را در آغوش می‌کشید.^۴ مالک اشتر یکی از یاران و فرماندهان لایق حضرت امیر (ع) شخص مدیر و مدبری بود که از سوی آن حضرت به استانداری مصر برگزیده شد، ولی قبل از رسیدن به مصر توسط دشمنان اسلام به شهادت رسید و حضرت علی (ع) درباره ی او چنین فرمود: «مالک! چه مالکی؟ به خدا سوگند اگر کوه بود، یگانه بود، و اگر صخره بود، سخت و محکم بود، هیچ تک سواری از او فراتر نمی‌رفت و هیچ پرنده ای به اوج او راه نمی‌یافت».^۵

ز- رفتار با صاحبان فضیلت

پیشوایان معصوم (ع) با کسانی که از جهت علمی و کرامت اخلاقی در میان مردم نفوذ داشتند، برخوردی در خورشان آنها داشتند. جریر بن عبدالله، که پیشوا و رئیس قوم خود بود، می‌گوید: چون رسول خدا (ص) به پیامبری مبعوث شد، خدمت ایشان رفتم تا با وی بیعت کنم. به من فرمود: ای جریر! برای چه به اینجا آمدی؟ گفتم: آمدم تا به دست شما اسلام بیاورم. پیامبر عباي خود را برایم پهن کرد و به اصحاب خود رو کرد و فرمود: هنگامی که بزرگ قومی نزد شما می‌آید او را بزرگ دارید.^۶ محدث کاشانی به نقل از ترمذی می‌نویسد: رسول خدا (ص) اهل فضل و بزرگان را به سبب اخلاقی که داشتند اکرام می‌کرد و قلوب مردم شریف را با نیکي به آنها جلب می‌کرد.^۷ آموختن سوره ی حمد به یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام سبب شد که آن حضرت علاوه بر هزار دینار و پارچه های فراوان، دهان معلم را از در و جواهر پر کند و فرمود: اینها به پای عطای او نمی‌رسد.^۸ امام سجاد (ع) هر وقت دانش پژوه یا عالمی به محضرش می‌رسید، می‌فرمود: آفرین بر سفارش شده ی رسول خدا (ص)، آنگاه می‌گفت: دانشجو و طالب علم از زمانی که از منزل خارجی می‌شود و به کسب علم می‌پردازد، پای بر هیچ تر و خشکی نمی‌گذارد، جز آنکه تا طبقه ی هفتم زمین، او را تمجید و ستایش می‌کنند.^۹

^۱ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۶۹

^۲ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۹۳

^۳ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۹

^۴ محجه البیضاء، ج ۴، ص ۱۳۰

^۵ نهج البلاغه، فیض، حکمت ۴۳۵

^۶ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۹

^۷ محجه البیضاء، ج ۴، ص ۱۲۶

^۸ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱، با کمی تصرف.

^۹ همان مدرک، ج ۴۶، ص ۶۲

بحث و نتیجه‌گیری

ادب را جایگاه رفیعی در قاموس انسانیت است، که حکایت از اهمیت بسیار آن در راستای ساختار ابعاد درونی و بیداری روحی انسان دارد. ادب در حقیقت رشد و شکوفایی شخصیت یک فرد است، که منهای آن در هر درجه و سطحی باشد فاقد ارزش و بهاست. همانطور که از آیات و روایات برمی آید ادب در شریعت اسلامی جایگاه ویژه ای دارد و نقش مهمی در سربلندی و عزت انسان ایفا می کند. در کلام ائمه میخوانیم که سرمنشا کمالات ادب است. با این اوصاف دریافتیم که ادب در دین اسلام چه اهمیت و جایگاه ویژه ای دارد. رفتار نیک دیگران، بر انسان تأثیر مثبت می گذارد. این امری روشن و طبیعی است. ناپسندیهای اخلاقی مردم نیز تأثیر سوء می گذارد. این هم عادی است. هنر انسانهای فرزانه و هوشمند آن است که از رفتارهای ناپسند دیگران هم عبرت و درس می آموزند. جالب این است که اسلام همه موارد زندگی دستور العمل دارد. «تربیت اسلامی» و اخلاق مکتبی، همه دستورها و «یابد» و «نباید» هایش، «ادب آموزی» است. کسی که پای بند تعالیم دین نباشد، از حوزه ادب به وادی بی ادبی پای نهاده است. این جامعیت دین اسلام موجب می شود تا مسلمانان در هیچ مسیری دچار گمراهی و لغزش نشوند و اگر به این آموزه ها توجه و عمل نمایند مسیر سعادت را به درستی طی خواهند کرد. چه نیکو است اگر این آموزه هارا با فرهنگ و کارهای فرهنگی اعم از نویسندگی و معلمی و هنر نمایشی و ... آمیخته و به اعتلای فرهنگ فردی و اجتماعی این کشور کمک شایانی نمود. مسائل و موارد ادب در منابع اسلامی و در کتب اخلاقی و تربیتی فراوان بیان شده است باید برای به دست آوردن آنها به مجالس وعظ و کتب مربوط مراجعه کرد. انسان مسلمان باید مؤدب باشد که غفلت موجب پشیمانی و ندامت می گردد. قطعاً این پژوهش مختصر تنها به منزله ی جرقه ای برای پژوهشگران و متخصصان این زمینه و جویندگان حق و حقیقت است تا با تفحص بیشتر در این زمینه و بررسی زوایای مختلف آن در جهت اعتلای فرهنگ این کشور بکوشند و دین مبین اسلام را هرچه بهتر و بیشتر به جوامع بشری و نسل های مختلف بشناسانند.

منابع

قرآن کریم

ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، مصحح احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، دار الانصار، ۱۴۱۴ هـ. ق، ۷۵ جلد، چ سوم، ج ۱، ص ۲۰۷

اشراق جهرمی، عذرا، مختاری، علیرضا، و شاکر، صفدر. (۱۴۰۳). بررسی تأکید قرآن بر موضوع ادب با توجه به روش تفصیل. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۸(۱)، ۲۶-۴۱.

الطریحی، شیخ فخرالدین؛ مجمع البحرين، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۱ - ذ، ص ۲۹

چوپانی یدالله، جایگاه ادب و کلامدر ساختار مدیران سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۷

حلیمی، علی ادب؛ جایگاه و عوامل شکل گیری آن در آموزه های دینی فصلنامه سخن صبا، ۱۴۰۱، ش ۴۴

دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ هـ. ش، چ دوم، ج (۱)، صص ۱۵۵۷ - ۱۵۵۸

شیخ طبرسی، الاداب الدینیة للخرانة المعینیة، ترجمه احمد عابدی، انتشارات زائر، ص ۱۹۹

طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۶، ص ۳۶۶.

عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱ هـ. ش، (۲ جلد)، چ بیست و چهارم، ج (۱)، صص ۱۰۱-۱۰۲ (خلاصه)

محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث، مترجم آژیر، حمید رضا، انتشارات دارالحدیث، قم ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۱۸

معزی فیومی، احمد بن محمد؛ مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر الرافعی، قم، دفتر تبلیغات، ج ۲، ص ۹

هدایتی محمد، بازشناسی ادب و تفاوت آن با اخلاق نشریه پژوهشنامه اخلاق « پژوهشنامه اخلاق سال ششم تابستان ۱۳۹۲ شماره ۲۰-

(۱۳۹۲)



The significance of etiquette in the Holy Quran and Islamic traditions

Seyed-Ebrahim Hosseini Vardanjani
Ahvaz University of Medical Sciences

Abstract

Etiquette hold a high status in humanity, reflecting their significant importance in shaping the inner dimensions and spiritual awakening of an individual. Manners are essentially the growth and blossoming of a person's character, and without them, a person lacks value, regardless of their standing. The special place of manners in Islamic law prompted us to focus on this topic in this brief study, specifically examining the conduct of the infallibles in this regard. As indicated by the verses and traditions, in all areas, manners appear as a subtle and crucial point, highlighted in both the words and actions of the religious leaders, the Imams (peace be upon them), playing an essential role in the dignity and honor of human beings

Keywords: etiquette, the status of etiquette in the Quran, etiquette in the lives of the infallibles (peace be upon them)